

بین قوانین فیزیکی و قوانین قضائی قائل گردید زیرا قانون فیزیکی چون عبارت از تجزیه تجربی یکحقیقت ظاهری است بنابراین اگر کوچکترین اخلال یا نقص در عناصر متشکله آن رخ دهد آن قانون بطور کلی مفهوم مصداق و تحقق خارجی خود را از دست داده و بهیچوجه نمی توان از (قانون دانست. قانون قضائی بعکس از کیفیات و آثار خارجی تشکیل نشده و مثل قانون فیزیکی آن چیزی را که هست بیان نمی کند بلکه آن چیزی را که باید باشد در نظر میگیرد بهمین دلیل نقص یا اخلال یک قانون حقوقی زیادتر حقیقت ایدآلی آنرا روشن میکند زیرا عمل نقض قانون حقوقی بهیچوجه اصل و حقیقت آنرا از بین نبرده و بازهم آنرا بعنوان یک قانون منتها قانونی که نقض شده است تلقی می کنیم حق یک اصل قضاوت روی تمام اعمال انسانی است و شعاع عمل آن مربوط به فعالیت و عمل است که تمدن فعلی را بوجود آورده است. ولی باید دانست که آیا اصل حقوقی تنها اصلی است که قضاوت اعمال انسانی را بعهده میگیرد یا یک اصل دیگری که بتواند در آن واحد بعنوان اصل قضاوت تلقی شود موجود است؟

این موضوع را در نگارش بعد تفحص خواهیم کرد

دکتر مدنی

باین معنی که اگر حق بطور ساده نفی نا حق است عکس قضیه نیز کاملاً منطقی است که ناحق نیز نفی حق است و هیچ دلیل مثبتی در دست نداریم که بگوئیم مفهوم ناحق قبل از حق موجود باشد زیرا در اینصورت در آخرین تجربه که ما از این دو مفهوم بکنیم باینجا خواهیم رسید که نقض و نفی یک چیزی را که اصولاً موجودیت قبلی ندارد قائل شویم. ممکن است در ازمنه اولیه اخلال و بهم زدن یک وضعیت عملی مشوق و محرک تعیین اصولی که بعنوان حق ساخته نشده بوده باشد ولی بهر حال این وضعیت عملی باید موجود بوده که اخلال آنرا از لحاظ حقوقی بتوان بعنوان تجاوز از حق تشخیص داد بنا براین خلاف منطق است که راجع بسبق یکی از این دو (حق و ناحق) صحبت کرد در صورتیکه موجودیت هر یک از آنها وابسته بوجود دیگری است و دو جزء از یک موضوع واحدند زیرا قضاوت روی هر یک از اعمال ملازم باملحوظ داشتن حق و ناحق در آن واحد است. از این مقدمات اینطور نتیجه میشود که اساس و مضمون حق بیان حقایق ظاهری نیست بلکه این حقایق جزء قسمت ماوراءطبیعت است بعبارة دیگر حق نماینده یک حقیقت عالیتر از کیفیت و آثار آن است یعنی یک طریقه ایدآلی است که بر این حقایق ظاهری حکومت میکند و در اینجا است که میتوان فرق مهمی

شرایط تشکیل عقد نکاح

مقایسه بین حقوق ایران و فرانسه و فقه اسلامی

کذب و یا اعمال دیگری را تدلیس گویند که با سوء استفاده از حسن اعتماد کسی او را با شتاب انداخته و ضرری بوی متوجه سازد.

از مقایسه این دو تعریف میتوان نتیجه گرفت که تدلیس در حقوق ایران و فرانسه یکی است چه در هر دو

اشتباه بعلت تدلیس در نکاح

بعقیده پرفسور اسمن تدلیس عبارت است از اینکه شخص بوسایلی متشبه و دیگری را عمداً با شتاب بیندازد تا با امری رضایت دهد. در حقوق ایران سکوت یا اظهارات

منظور از آن ایجاد اشتباه است در فکر احد متعاقدین
راجع. بشرائط عقد منظور برای تعیین حالات مختلفه
« اشتباه باتدلیس » باید بمقایسه بین « اشتباه ساده »
و « اشتباه باتدلیس » پرداخت.

دیدیم که « اشتباه ساده » بر سه نوع است: اشتباه
رائع رضا - اشتباه موجب معلول بودن رضا - اشتباه
بلا اثر. در حال اول عقد باطل و در خیال دوم قابل
ابطال ولی در صورت سوم عقد بقوت خود باقی خواهد
ماند.

بدیهی است در صورت ثلاثه نامبرده اعم از این که
اشتباه ساده و یا توأم باتدلیس باشد ارزش حقوقی عقد
همان است که گفتیم.

ولی بعضی از قوانین هستند که برخی از موارد
اشتباه بلا اثر را از موجبات بطلان عقد میدانند مشروط
بر اینکه اشتباه مبتنی بر تدلیس باشد. این قوانین در
واقع میخواهند از این راه تدلیس کننده را تنبیه نموده و
نگذارند از الغاء شبهه استفاده نامشروع نمایند.

در این قبیل موارد هر گاه تدلیس احد متعاقدین
طرف او را با اشتباه بیندازد و یا اینکه ثابت شود در صورت
عدم وجود تدلیس هم باز طرف مرتکب اشتباه می شد
ارزش حقوقی عقد محفوظ خواهد ماند زیرا تقصیری
متوجه تدلیس کننده نبوده در حقیقت شخص متعاقد مسئول
اشتباه خود میباشد.

بنابراین معلوم گردید که تدلیس بمنتهائی موجب
فسخ نیست.

تدلیس رضارا موقعی معلول میکند که مواسد
اشتباه شده باشد و بهمین جهت عنوان مقاله امروز را
« اشتباه باتدلیس » قرار دادیم تا معلوم شود که در صورت
مورد بحث علت واقعی معلول بودن رضانه اشتباه به
تمتهائی است (زیرا اشتباه غیر مهم و بالنتیجه بلا اثر فرض

شده) و نه تدلیس بمنتهائی (زیرا تدلیس که مولدا اشتباه
نباشد بی اثر است).

ظاهراً چنین بنظر میرسد که در حقوق ایران
« اشتباه باتدلیس » یکی از علل فسخ عقد نکاح میباشد
و حال اینکه در حقوق فرانسه چنین نیست -

چیزی که هست مقنن ایران « اشتباه باتدلیس را »
جزء موارد معلول بودن رضا ذکر ننموده منتهی قبل
از تدوین قانون مدنی قانون دیگری بتصویب مجلس رسید
که بموجب آن کسی که دیگر را بمنظور نکاح فریب
دهد مستحق مجازات خواهد بود - ولی راجع بارزش
حقوقی چنین نکاحی قانون ابدأ صراحتی ندارد و بهمین
جهت حل مسئله و تشخیص اینکه تدلیس از موجبات
فسخ نکاح خواهد بود یا نه قدری مشکل بنظر میرسد.

برای اینکه موضوع مورد بحث روشن شود لازم
است در موضوع تدلیس در حقوق فرانسه و در حقوق ایران
قدری مطالعه نموده و سپس آنها در قوانین جدیده از
قبیل قانون آلمان و سوئیس و امریکا مورد دقت قرار دهیم
I - « اشتباه باتدلیس » در حقوق فرانسه .

II - « اشتباه باتدلیس » در حقوق ایران .
I - « اشتباه باتدلیس » در حقوق امریکا و
آلمان و سوئیس.

I - اشتباه باتدلیس در حقوق فرانسه

حقوق فرانسه « اشتباه با تدلیس » را از موارد
معلول بودن رضا محسوب ننموده است زیرا اشتباه از
دو حال خارج نیست یا اینکه قابل ملاحظه است که به
خودی خود از موجبات فسخ میباشد که در این صورت تحقیق
علت آن اشتباه برای تعیین وجود یا عدم وجود تدلیس ضرورتی
نخواهد داشت و یا اینکه اشتباه چندان مهم نمیشد در
این صورت موجب فسخ نخواهد بود. اگر چه آن اشتباه
معلول تدلیس طرف باشد.

بنابراین در حقوق فرانسه موارد « اشتباه ساده »

و « اشتباه باتدلیس » یکی است پس تحقیق علت اشتباه لزومی نداشته هر قدر هم که تدلیس مهم باشد تأثیری در ارزش حقوقی عقد نکاح نخواهد داشت - از این رو است که زنی بهانه حامله بودن مردی را و اداری با ازدواج با خود نمود - شوهر پس از توجه بکذب اظهار زن در صد درخواست طلاق برآمد ولی دادگاه تقاضای شوهر را رد نمود .

اما در حقوق قدیم فرانسه تدلیس از موجبات فسخ بود بهمین جهت اگر کسی صغیری را به وسائل متقلبانه و اداری نمود که بنکاح رضایت دهد آن صغیر باستناد تدلیس میتواند بطلان عقد را از دادگاه بخواند در وضعیت فعلی حقوق فرانسه علاوه بر اشتباه در شخص اشتباه در هویت همسر آتی نیز قابل توجه است اعم از اینکه مبتنی بر تدلیس باشد یا نباشد ولی رویه قضائی دادگاههای فرانسه بر این جاری است که کلمه « هویت » را در معنای اخص استعمال نمایند - بهمین جهت اشتباه در ملیت از موجبات بطلان تلقی نگردیده است .

ممکن است سؤال شود آیا علت اینکه تدلیس در حقوق فرانسه از علل بطلان نکاح نیست چه میباشد ؟ بعضی از مؤلفین فرانسوی معتقدند که چون از دواج یکنوع « عمل مقدسی » است و جنبه مذهبی و الهی دارد تدلیسی که منتهی بانعقاد عقد نکاح شده وسیله خیر است پس نباید موجب ابطال باشد و برخی گویند بمضمون ضرب المثل « در زناشوئی هر کس بتواند آن دیگر را فریب میدهد » تدلیس در نکاح جائز است .

بعقیده « پرفسور مویدل » امروزه این ضرب المثل موردی ندارد - شاید بتوان در مورد ازدواج تدلیسات

جزئی از قبیل آرایش ظاهری را مجاز تصور نمود ولی در قسمت امور مهمه چگونه ممکن است فریب دادند بی اثر دانست .

« پرفسور روآست » میگوید اصولاً ابطال یا فسخ عقدی بیشر برای اینست که در اثر بر گردانیدن وضعیت سابق از متضرر از عقد رفع خسارت بشود ولی در مورد ازدواج همسر فریب خورده متحمل ضرر غیر قابل جبرانی گردیده و بنابراین بطلان نکاح درد درونی او را دوا نخواهد کرد و بهمین جهت استثنائاً تدلیس در نکاح موجب فسخ نخواهد بود .

« پرفسور مویدل » معتقد است که فلسفه وجود موارد بطلان عقد این نیست که « پرفسور روآست » گفته - چه بسا میشود که میدانیم ابطال معامله رفع ضرر از متعامل نخواهد کرد و با وجود این حکم به بطلان آن مینمائیم .

پرفسور نامبرده عدم امکان فسخ عقد نکاح را بعلت تدلیس چنین بیان مینماید : طبیعت نکاح با طبیعت سایر عقود اختلاف فاحش دارد چه که از دواج محتاج بشبات و دوام است لذا باید حتی المقدور موارد فسخ آنرا محدود کرد - از طرف دیگر پس از ازدواج خیلی از اشخاص ممکن است اظهار عدم رضایت کنند - اگر بنا بود که هر ناراضی از نکاح بهانه مختصر اشتباهی در صحت مزاج یا در تمول همسر خود یا بعنوان تدلیس در جلوه ظاهری او تقاضای ابطال عقد نکاح را بنماید هیچ ازدواجی با بر جا نمانده و تشکیل عائله غیر ممکن خواهد شد .

۱ اشتباه باتدلیس در حقوق ایران (شماره آینده

مو کول میشود)

دکتر داوود